

بیداری اسلامی و وحدت مسلمانان از منظر قرآن، سنت و روایات



هاشم صدیقی^۱
(مذهب: شافعی - استان فارس)

چکیده

در این مقاله به مباحثی پیرامون وحدت و بیداری اسلامی از منظر قرآن، سنت و روایات پرداخته و بیان می‌شود: ما بیش از ۹۰ درصد مشترکات داریم و اگر اختلافاتی هم باشد، جزئی است و نباید به حساب اسلام گذاشت. برادری و بیداری اسلامی بسی فراتر از همه تعصبات است به هر شکل و نامی که باشد، در حالی که رسول خدا ما را از تنگ نظریها و تعصبات مبرّا می‌داند و می‌فرماید:



هر کس دیگران را به تعصب فرا خواند و در جهت آن بجنگد و در راستای آن کشته شود، از ما نیست. متأسفانه ما در این عصر به نام بیداری اسلامی شاهد خیلی از قتل و کشتارها و مشکلات هستیم که این هم از جانب کشورهای صهیونیست متوجه ما شده است. جامعه اسلامی جامعه‌ای می‌باشند که به خدا و پیغمبر ایمان و رو به سوی یک قبله دارند و در همه امور خویش یک شریعت را حکم و داور قرار می‌دهند و فقط به خدا و رسول خدا و مؤمنان گرایش دوستی دارند.

کلیدواژه‌ها: وحدت، اعتصام، اخوت، بیداری اسلامی.

مقدمه

انسانها دارای زندگی جمعی هستند و در زندگی با هموعان خویش اجتماعات کوچک و بزرگ را تشکیل می‌دهند. امروزه برخلاف گذشته این اجتماعات با عقاید و مذاهب گوناگون با یکدیگر دارای روابط گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستند. روابط انسانها با یکدیگر زمانی می‌تواند از آسیب‌پذیری مصون بماند، که براساس ملاکهای منطقی، معقول و عادلانه تنظیم شده باشند و مکتبی که عادلانه‌ترین ملاکها را برای تنظیم روابط انسانها ارائه دهد، موفق‌ترین و سازنده‌ترین مکتب به شمار می‌رود. انسجام و یکپارچگی علاوه بر آیات و روایات مورد تأکید فراوان واقع شده است، اما در شرایط کنونی ضرورت پرداختن به آن، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود؛ چرا که دشمنان به دنبال اختلاف افکنی، می‌باشند. از این رو در این مقاله وحدت و بیداری اسلامی از منظر قرآن، سنت و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

● رابطه وحدت و اخوت

یکی از لوازم مظاهر «اخوت» وحدت و تعاون و هم‌آوایی است و چیزی که با آن تضاد و ناهمخوانی دارد «تفرقه» و چنددستگی می‌باشد. جامعه اسلامی که بنیانش بر برادری استوار می‌باشد، جامعه‌ای است که در عرصه باورهای ایمانی، عبادات و شعائر، مفاهیم فکری، فضایل اخلاقی، رویکردهای معنوی، آداب و روش، فرهنگ اجتماعی، ارزشهای انسانی و اصول قانون‌گذاری یکپارچه هماهنگ است.

همچنین در اهدافی که زمین را به آسمان، دنیا را به عقبی، آفریده را به آفریدگار ارتباط می‌بخشد و در اصول روشن و ارزشمندی که میان آرمان‌گرایی و واقعیت ایجاد الفت می‌کند

و ثابت و متغیر را باهم می آمیزد و میان الهام از میراث فکری و فرهنگی پیشینیان و بهره گیری از پیشرفتهای معاصر توازن را ایجاد می نماید، متحد و یکپارچه است.

در بهره گیری از منابعی مانند قرآن و سنت که سرچشمه هدایت آنان است و در الگوی بس بلندی که از او سرمشق می گیرند، هم آوا و هماهنگ هستند؛ زیرا جامعه اسلامی، جامعه ای است که به خداوند و کتاب و پیامبر واحدی ایمان دارد. رویشان به سوی یک قبله است. در همه امور خویش یک شریعت را حکم و داوری می نمایند و دوستی و گرایش آنها تنها به خداوند و پیامبر و مؤمنان است. دوستی و دشمنی و قهر و ارتباطش تنها در راستای رضایت خداوند است. خداوند متعال می فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ» (مجادله، ۲۲)؛ «هیچ گروهی را که به خداوند و روز آخرت ایمان آورده باشند، نخواهی یافت که دست دوستی در دستان کسانی بگذارند که با خداوند و پیامبرش دشمنی می کنند، هرچند پدران و فرزندان و برادران و قوم و عشیره او باشد». روا نیست در این جامعه، عوامل تفرقه انگیز در جامعه های دیگر مانند تعصبات ملی، نژادی، اقلیمی، زبان و وابستگی طبقاتی و مذهبی و ...، ارکان وحدت و اخوت را متزلزل نمایند.

برادری اسلامی بسی فراتر از همه آن تعصبات است در هر شکل و به هر

نامی که باشد. رسول خدا(ص) خود را از همه تعصبات و تنگ نظریها مبرا

می داند و می فرماید: «هرکس دیگران را به تعصب فرا بخواند و در جهت آن

بجنگد و در راستای آن کشته شود، از ما نیست».

قرآن در مورد توطئه های غیر مسلمانان برای ایجاد تفرقه و چنددستگی میان مسلمانان هشدار می دهد. همچون کاری که یهود مدینه برای شعله ور گردانیدن آتش جنگ میان دو طایفه اوس و خزرج انجام دادند و رسول خدا با یادآوری برادری دینی آتش آن فتنه را خاموش فرمود. خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ. وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل عمران، ۱۰۰ و ۱۰۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از گروهی از اهل کتاب پیروی کنید شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر بازمی گردانند. و چگونه شما باید کافر شوید در حالی که آیات خداوند بر شما فرو خوانده می شود و پیغمبرش در میان

شماست؟! و هر کس به خداوند تمسک جوید، بی گمان به راه راست و درست راه نمایی شده است». همچنین می فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران، ۱۰۳)؛ «و همگی به رشته {ناگسستی قرآن} دست بگیرید و پراکنده نگردیده! و نعمت خداوند را بر خود یادآور شوید، آن گاه که باهم دشمن بودید و خداوند دلهایتان را باهم الفت داد و برادر هم شدید. و آن گاه که بر لبه پرتگاه از آتش قرار داشتید، اما او شما را نجات داد. خداوند این چنین آیات خود را بر شما آشکار می سازد، شاید که هدایت شوید».

در همین رابطه در مورد تفرقه و اختلاف هشدار می دهد و می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران، ۱۰۵)؛ «مانند کسانی نباشید که پس از آمدن دلایل آشکار دسته دسته شدند و باهم اختلاف پیدا کردند، آنان دچار عذاب بس بزرگی می شوند».

میان آیه «دستور به وحدت و اعتصام به قرآن» و آیه «هشدار نسبت به خطر چنددستگی و اختلاف»، آیه ای را که بیانگر مسئولیت امت اسلامی در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر می باشد، ذکر نموده است و می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴)؛ «در میان شما جماعتی باشند که دیگران را به خیر و نیکی فرا بخوانند و امر به معروف و نهی از منکر بنمایند و آنها هستند که رستگار می شوند».

این آیه مردم را به این موضوع رهنمون می سازد: چیزی که ایمان امت اسلامی و وحدت را ایجاد می کند و از پراکندگی آنها جلوگیری می نماید، وجود برنامه و راهکاری یکپارچه است. راهکاری که همه به آن پایبند باشند و آن را مرجع خود قرار دهند. این روش و برنامه چیزی جز قرآن و اسلام نمی تواند باشد و وجود رسالت و هدفی مشترک مانند امر به معروف و نهی از منکر است که زمینه سازی برای تحقق بازگشت به قرآن و سنت را سرلوحه کار و تلاش مسلمانان قرار می دهد.

اما هر گاه امت اسلامی از راه و رسم خویش منحرف شوند و یا رسالت خود را به دست

فراموشی بسپارند، در کوره راههای چپ و راست دسته دسته سرگردان خواهند شد و طعمه شیاطین شرق و غرب خواهند گردید. این درست همان چیزی است که قرآن در مورد آن هشدار می دهد و می فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام، ۱۵۳)؛ «یقیناً راه راست من همین است، آن را در پیش گیرید و بر راههای دیگر گام نگذارید؛ زیرا شما را از راه دور خواهد کرد و این وصیت اوست به شما. شاید که پرهیزکاری را پیشه خود نمایید».

وحدتی که تحقق و محافظت از آن بر امت اسلامی واجب گردیده است، با تنوع و تکثر گرایی که به خاطر اختلاف محیط و فرهنگ عبادت و تحت تأثیر تمدنهای گوناگون پدید آمده اند، منافات ندارد. آن گونه که اختلافها تنوعی است که در چهارچوب وحدت فراگیر اسلامی تجلی می گیرد و بسان تنوع استعدادها و علایق و افکار و تخصصهای گوناگون افراد یک خانواده یا تنوع گل و میوه داخل یک باغ است که: «يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِّضُ لُبَّهَا عَلَى بَعْضِ فِي الْأُكُلِ» (رعد، ۴)؛ «از یک آب آبیاری می شود و برخی را {در نوع مزه و رنگ طعم} بر دیگری برتری بخشیده ایم». از مهم ترین دستاوردهای اسلامی در این زمینه مشروعیت تعدد اجتهادها و اظهارنظرهای متفاوت در چهارچوب قواعد عام و نصوص قطعی مورد اتفاق است. مجتهدی هر چند با مجتهد دیگر در روش و مشرب اجتهادی اختلاف داشته باشد، نباید مانع اجتهاد او بشود. هریک دارای دیدگاهی هستند و هریک از آنان چه مصیب و چه مخطی چنانچه اهمیت اجتهاد را داشته باشند، اجر خاص خود را خواهند داشت. اختلاف آراء و دیدگاههای گوناگون نباید اسباب تفرقه و دشمنی شوند.

«مؤمنان در دوستداری و ابراز عاطفه و رحم همچون یک اندامند، چه اگر عضوی به رنج اندر شود، دیگر اعضا با تب و بی خوابی با او همراهی خواهند کرد» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۸، ص ۴۲۶).

«مؤمن برای مؤمن همچون بنیادی روئین است که هریک دیگران را استحکام می بخشد. مؤمنان برادرند و پیمان کوچکترینشان نیز بر همه محترم است و یک مشتند در برابر دیگران» (مسلم، ۱۹۷۲م، ج ۱۲، ص ۴۶۷).

پیامبر(ص): «هیچ کس از شما ایمان نیاورده است، مگر آنچه را برای خود می خواهد، برای

دیگران هم بخواهد» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱).
 «وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ» (انبیاء، ۹۳)؛ «گروهی از پیروانش ناآگاه به دسته های مختلف تقسیم و پاره پاره شدند. ولی سرانجام همه آنها به سوی ما باز خواهند گشت».
 پیدا است که تمام علل «پراکنده ساز» در این ایدئولوژی مردودند، چه مربوط به جغرافیا و اقلیم یا زبان و سابقه فرهنگی و تاریخی یا رنگ و نژاد و نسب باشد. طبقه {کلاس} و امتیاز اجتماعی، جز از راه «عمل» و «تقوا» میسر نیست. عمل در صراط مستقیم - همان که راه طبیعت و ضامن سعادت است - و تقوا و خودداری و پرهیزکاری از امور که نسبت به این «صراط»، بیراهه محسوب شده اند ... و بر فراز این هردو ... «عقیده» که روح عمل و تقواست.
 سازمان وجود مادی یک موجود زنده مانند حیوان، از میلیاردها سلول تشکیل یافته و هر کدام از این سلولها دیگر، بدون چشمداشت و انتظار پاداش از هموعان خود، انجام وظیفه نموده و شغلی را که طبیعت به دوش آنها نهاده است، با اخلاص کامل انجام می دهند.
 مثلاً قلب ۷۰ بار باز و بسته می شود و با باز و بسته شدن خود، خون را که غذای طبیعی بدن است، به تمام نقاط بدن ما می رساند و این عضو حساس هرگز انتظار ندارد که سایر اعضای بدن مانند کلیه و کبد، کار خود را انجام دهند و تا زمانی که قدرت دارد، کار خود را با اخلاص تمام انجام می دهد.

ریشه های خرددار یک گیاه، آب و شیره های زمین را مکیده، بدون تظاهر و ریاکاری بلکه با استتار و اختفا و اخلاص کامل، در اختیار تنه درخت گذارده، و آن نیز در سایه عروق داخلی غذای لازم را به بلندترین شاخه های درخت می رساند. آیا عمل یک سلول ناچیز و فعالیت مخلصانه یک ریشه برای ما درس زندگی نیست که وظایف انسانی و اجتماعی خویش را بدون تظاهر و ریاکاری، بدون آنکه به رخ این و آن بکشیم، انجام می دهیم، بلکه بسان مجموع جهان آفرینش به طور خودکار، کار و باری را که به دوش گرفته ایم، به منزل برسانیم.

● قرآن مجید

قرآن مجید یکی از مهم ترین ویژگیهای جامعه مؤمنان را، در کنار ایمان به خدا و اطاعت از او و رسول، امر به معروف و نهی از منکر می داند.

خداوند این دو مهم را در کنار ایمان آورده است و میزان توجه بدانها را معیار برتری امت اسلام می داند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران، ۱۱۰)؛ «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده اند؛ (زیرا) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید».

تلاش خستگی ناپذیر امامان در ترویج، احیا و عمل به این دو عنصر اصیل اسلامی، و تبیین حدود، قلمرو و موارد این دو مهم، در راستای اهداف وحدت طلبانه آنها بوده است. درباره وجوب، فضیلت، فلسفه، و معرفی به امر و معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از پایه های اسلام و ضرورت توجه همگانی بدان، احادیث بسیاری از آنان نقل شده که گواهی روشن بر اهمیت و نقش نشاط انگیز اجتماعی، دینی و تربیتی این اصل نزد ایشان است. درست است که آن بزرگان برای جلوگیری از نقض غرض و عدم سوء استفاده از این دو فریضه، به شرایطی چون علم و فهم صحیح از معروف و منکر، احتمال تأثیر و نیز لزوم امنیت خاطر در اقامه آن، توجه داشتند، اما هیچ گاه به تعطیلی و یا رکود آن رضایت نمی دادند. رمز و راز این مسئله نیز در این نهفته است که هیچ یک از افراد جامعه، از دیگران جدا نیست و راه زندگی و سرنوشت انسانها در مسائل اجتماعی، با یکدیگر پیوند خورده است. انسان، طبیعتی اجتماعی دارد و عقاید، اخلاق و اعمال دیگران در او مؤثر است. روشن است که با انحراف یک فرد، علاوه بر اینکه به خود وی زیان وارد می گردد، جامعه نیز از رفتار او زیانمند می شود؛ پس عقل حکم می کند که عموم افراد، مراقب یکدیگر باشند و در حد توان، جامعه را از آلوده شدن به فساد، نگه دارند. البته دایره این دو وظیفه اساسی، تنها شامل مسائل فردی و جزئی نیست، بلکه امر به معروف و نهی از منکر، مسائل اجتماعی و امور کلی مسلمانان را دربر می گیرد.

با توجه به تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در وحدت اجتماعی، امامان تأکید

خاصی بر این اصل عقلی داشته، آن را از مهم ترین واجبات دینی به شمار آورده اند.

شهید مطهری بعد از توضیح آیه ۱۰۳ و ۱۰۵ سوره آل عمران که از صریح ترین آیات درباره دعوت به اتحاد و پرهیز از تفرقه است، می نویسد: ببینید آیه ای که در میان این دو آیه قرار گرفته است، آیه دعوت به امر به معروف و نهی از منکر است. این برای آن است که قرآن کریم می خواهد بفهماند که همواره باید از طریق دعوت به خیر و صلاح و امر به معروف و نهی

از منکر، این وحدت محفوظ بماند. اگر این استوانه اسلامی، یعنی اصل دعوت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر بخوابد، وحدت اسلامی و اتحاد مسلمانان نیز از میان می رود. ما مسلمانان دعوت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر داریم، ولی چون هدفهای اسلامی را نمی شناسیم، مخصوصاً از هدفهای بزرگ و اساسی و اصولی اسلام بی خبریم، از اسلام فقط با یک سلسله دستورهای ظاهری که مربوط به قشر اسلام است، نه لب و مغز آن، آشنایی داریم. هر وقت به فکر دعوت و ارشاد می افتیم، از حدود مسائل ساده اخلاقی و عبادی تجاوز نمی کنیم، و حال آنکه یکی از هدفهای بزرگ اسلام، بلکه بزرگ ترین هدف اسلام در امور عملی، وحدت و اتفاق مسلمانان است. اولین وظیفه داعیان و ارشاد کنندگان و آمران به معروف و ناهیان از منکر این است که از طریق وحدت مسلمانان بکوشند؛ در طریق همان چیزی بکوشند که مورد نزول این آیه کریمه است.

● پرتوهای سنت نبوی

آنچه را که قرآن در زمینه دعوت به اتحاد و همبستگی و برحذر داشتن از اختلاف و تفرقه بیان کرده، سنت نبوی نیز آن را تثبیت و تأکید نموده و آنها را تفضیل داده است. سنت نبوی مردم را به جمع شدن و وحدت دعوت می کند و از تفرقه و تک تازی متنفر می گرداند، و مردم را به سوی برادری و محبت فرا می خواند و آنها را از عداوت و کینه توزی برحذر می دارد. در این زمینه کتابهای سنت مملو از احادیث پند و اندرز می باشند.

ترمذی از ابن عمر روایت نموده است: عمر در جایبه (اسم مکانی) خطبه ای ایراد فرمودند بدین مضمون: ای مردم من در میان شما در جای رسول الله قرار گرفته ام که در میانمان فرمود: «شما را (به تبعیت از) یارانم وصیت می کنم، سپس به آنهایی که به دنبال آنها می آیند (تابعان) و سپس به کسانی که به دنبالش می آیند (یعنی تابع تابعان). شما را در التزام به جماعت و دوری گرفتن از تفرقه وصیت می نمایم که همانا شیطان با شخص تنها همراه و از دو نفر دورتر است. آنکه دوست دارد در بهشت زندگی کند، پس به رأی جماعت متعهد باشد».

از ابن عباس روایت شده که پیامبر خدا فرموده است: «دست خدا همراه جماعت است» (ترمذی، ۱۴۰۸ق، ح ۲۱۶۶۹).

از ابن عمر روایت شده که پیامبر فرموده است: «همانا خداوند امت مرا بر گمراهی جمع

نمی کند» (همان، ح ۲۱۶۸).

ابن عباس: «همانا کسی که از جماعت به اندازه وجبی فاصله بگیرد و بمیرد، جاهلانه مرده است» (بخاری، ۱۴۰۷ق؛ مسلم، ۱۹۷۲م).

ابن عمر: «مسلمان برادر مسلمان است و کسی که نیاز برادرش را برآورده کند، خداوند نیاز او را برآورده می کند» (عبدالباقی، ۱۴۰۷ق، ح ۲۸).

ابوهریره: «هیچ یک از شما دارای ایمان کامل نیست، مگر اینکه آنچه را برای خود دوست دارد، برای برادر دینی اش دوست داشته باشد» (همان، ح ۹۳).

«قسم به کسی که نفس من در اختیار اوست، تا ایمان نیاورید داخل بهشت نمی شوید و تا یکدیگر را دوست نداشته باشید، ایماتان کامل نیست، آیا شما را به چیزی راهنمایی کنم که اگر آن را انجام دادید، محبت شما در بین شما ایجاد شود؟ سلام کردن را در بین خودتان به صورت آشکار رواج دهید» (سیوطی، ح ۶ و ۶۷۰).

«مسلمانان خوششان باهم آمیخته است، کوچک ترین آنها مسئولیتشان را ادا می نمایند و دورترینشان را پناه می دهند و آنان در مقابل غیر خود، دست قدرت می باشند».

«سنت نبوی مسلمانان را با رساترین شیوه از کینه توزی نسبت به هم و فاصله گرفتن از یکدیگر برحذر داشته است» (عبدالباقی، ۱۴۰۷ق، ح ۱۶۶۰).

انس بن مالک: «نسبت به یکدیگر بغض و حسد نداشته باشید و بر همدیگر پشت نکنید، بلکه بنده خدا و برادر دینی باشید، و برای هیچ برادر مسلمانی جایز نیست که بیش از سه روز متوالی برادر دینی اش را به قصد کینه و عداوت ترک نماید».

از ابویوب انصاری روایت شده که پیامبر خدا فرمودند: «برای هیچ مسلمانی جایز نیست بیش از سه شب برادر مسلمان خود را ترک کند. این بر او بر این پشت کند و بهترین آنها کسی است که اول سلام را شروع کند».

ابوهریره: «از ظن و گمان پرهیز کنید؛ زیرا «ظن» دروغ ترین سخن است. به دنبال عیب جویی و جاسوسی یکدیگر نباشید بر سر بیع و معامله همدیگر مکر و حيله ننمایید. نسبت به یکدیگر حسد نبرید و با یکدیگر بغض و کینه نداشته باشید. به یکدیگر پشت نکنید، (بلکه) بندگان خدا و برادران دینی یکدیگر باشید» (همان).

ابوهریره: «مسلمان برادر مسلمان است به او ظلم نمی کند و او را خوار تحقیر نمی گرداند- در این قسمت ۳ دفعه به سینه خود اشاره نمود و فرمود: تقوی اینجاست، در شر بودن شخص همین کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر نماید. همه چیز مسلمان بر مسلمان حرام است، خون و مال و شرفش» (همان، ح ۲۵۶۴).

«درهای بهشت روزهای دوشنبه و پنجشنبه باز می شوند و تمام گناهان به جز شرک بخشیده می شود، مگر گناه کسی که بین او و برادر دینی اش دشمنی باشد که گفته می شود: این دو نفر را به تأخیر اندازید تا صلح نمایند و این جمله اخیر را سه بار تکرار نمود» (همان، ح ۲۵۶۵).
 «از بدرفتاری نسبت به یکدیگر پرهیز نمایید؛ زیرا آن ریشه کن کننده است» (همان، ح ۲۵۱۱).
 از زبیر نقل شده که رسول خدا فرمودند: «دردهای گذشتگان بر شما روی آورده، که حسد و کینه می باشند و کینه و بغض ریشه کن کننده است، اما نمی گویم مو را می تراشد و ریشه کن می کند، بلکه دین را ریشه کن می کند، قسم به نفسی که جان من در اختیار اوست، داخل بهشت نمی شوید تا ایمان نیاورید، و ایمانتان کامل نیست تا یکدیگر را دوست نداشته باشید» (همان، ح ۴۹۱۹).

ابن عباس: «سه کس نمازشان یک وجب از بالای سرشان تجاوز نمی کند: ۱. مردی که امامت قومی را برعهده بگیرد، در حالی که مردم او را دوست ندارند و از او راضی نیستند. ۲. زنی که شوهرش از او ناراضی باشد. ۳. برادرانی که از هم قطع رحم کنند» (ترمذی، ۱۴۰۸ق، ح ۲۵۱۲).
 ابوفراشه اسلمی: «کسی که برادرش را یکسال ترک کند، مانند آن است که او را کشته و خونسش را ریخته باشد» (ابن ماجه، ۱۴۰۷ق، ح ۹۷۱).

جابر بن عبدالله: «همانا شیطان از اینکه در جزیره العرب عبادت نشود، مأیوس شده، اما در فتنه و آشوب انداختن بین آنها مأیوس نشده است» (ابوداود، بی تا، ح ۴۵۱۵).

● راهکارهای تحکیم وحدت و تقریب مذهبی

۱. حضور در عبادات و شعائر مذهبی - اجتماعی

۱-۱. نماز جماعت

گرچه تشریح نماز به خاطر ایجاد ارتباط انسان با خالق خویش بوده، بُعد عبادی و معنوی آن برجسته تر است، اما در شریعت اسلام تأکید شده است که در کنار سایر مسلمانان به جماعت

بر گزار شود. این گزارش مشهور که پیامبر(ص) از همان آغاز رسالت، این فریضه را با اصحاب به جماعت اقامه می کرد، نشان از اهمیت این امر دارد. در اهمیت نماز جماعت همین بس که قرآن سفارش کرده است که مسلمانان باید بکوشند حتی در اوج جنگ نیز، آن را - البته با شرایطی خاص - برگزار نمایند. اصحاب و ائمه اطهار نیز به تأسی از تعالیم قرآن و سیره و سخن پیامبر(ص)، همگان را به حضور فراگیر در این عمل عبادی - اجتماعی تشویق می کردند.

امام صادق(ع) بعد از بیان ثواب نماز جماعت و ارزش والای آن در برابر نماز به تنهایی و در منزل، می فرماید: «نماز تو در خانه و به تنهایی، گرد و غباری افشاند! چیزی از آن به سوی پروردگار برنخیزد؛ و هر آنکه در خانه اش به جماعت نماز گزارد و از مسجد روی گرداند، نه او و نه کسی که با وی نماز گزارده است، نمازی درخور نداشته اند؛ مگر آنکه مشکلی ایشان را از مسجد باز داشته باشد».

از این روایت به دست می آید که نه تنها شرکت در نماز جماعت، بلکه حضور در مسجد و در میان جماعت مسلمانان نیز برای آن حضرت موضوعیت داشته است.

۱-۲. نماز جمعه و عیدین

دستور شریعت به اقامه نماز جمعه و عیدین نیز، یکی از مهم ترین، زیباترین و وحدت بخش ترین جلوه های حضور یکپارچه مسلمانان است. در این حرکت عبادی - سیاسی است که طبقات مختلف، از هر گروه و مذهب، گرد هم می آیند و رو به سوی معبود می نشینند و ضمن آشنایی با وظایف دینی و اخلاقی، از مشکلات جامعه خود آگاه می شوند. صرف نظر از فریضه حج، شاید این گونه درس برادری و همبستگی، در هیچ یک از تعالیم عبادی و اجتماعی اسلام، تا این حد ظهور ندارد. با اختصاص یافتن یک سوره قرآن مجید (سوره جمعه) به این فریضه، از امت اسلامی خواسته شده که با شنیدن اذان نماز جمعه، همه کارها را رها کنند و در این مراسم شرکت نمایند؛ چرا که خیر آنها در چنین کاری است. پیامبر اسلام(ص) در نخستین روزهای هجرت خود به مدینه، این عمل عبادی - اجتماعی را به عنوان سنگ بنای تشکیلات حکومتی خود، پی ریزی کرد. همچنین بعد از آن حضرت، کسانی که زعامت امت و تدبیر امور را به عهده گرفتند، به اقامه آن پرداختند.

۱-۳. تأکید بر فریضه حج

کنگره عظیم حج، از جمله برنامه‌ها و شعائر دینی است که از همه بیشتر،

زمینه پیوندهای عاطفی، اجتماعی و مذهبی مسلمانان را فراهم ساخته است.

بدون تردید، در هیچ یک از دستورها و برنامه‌های عبادی، اجتماعی و سیاسی اسلام، این همه زمینه هم‌گرایی و تمرین معاشرت با همکیشان وجود ندارد. پیامها و جلوه‌های زیبا و وحدت‌بخش این عبادت جمعی و کانون باشکوه وحدت اسلامی را، می‌توان در همسانی و همانندی نیت، آداب و مناسک، رنگ لباس حاجیان، و حضور هماهنگ آنان از هر ملیت و زبان و مذهبی در مشاهد مشرفه، و لزوم ترک مباحثه و جدالهای مذهبی به خوبی نظاره کرد. با تأکید بر این آیین باشکوه است که قرآن مجید می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ» (مائده، ۹۷).

راغب اصفهانی، در تبیین معنای «قِيَامًا لِلنَّاسِ» می‌نویسد: «قیام» و «قوام» اسم است برای چیزی که اشیای دیگر توسط آن قوام و قیام می‌یابند. طبق این معنی، مقتضای آیه شریف این است که مردم در امور دنیایی و آخرتی خود، به وسیله خانه خدا، کعبه، قوام و پابرجایی می‌یابند. از این نکته (ذکر کلمه قیام) استفاده می‌شود که غرض و فلسفه تشریح حج، فقط انجام اعمال ظاهری و صوری آن نیست؛ زیرا در آن صورت، قوام و قیامی بر آن مترتب نمی‌شود، بلکه هدف از تشریح آن، اجتماع مسلمانان توانمند و متمکن، از سراسر شهرها و کشورهای اسلامی در یک نقطه معین می‌باشد که به آشنایی و تفاهم و همیاری پردازند و روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی برقرار نمایند. بر این اساس، حج برای مسلمانان یک کنگره عظیم جهانی است که هر ساله در مرکز نزول وحی و مبدأ گسترش اسلام، برگزار می‌شود و برپایه آن، وسیله قوام و قیام مردم با نژادهای مختلف، فراهم می‌گردد.

شهید مطهری کعبه و حج را به عنوان یکی از رموز و محورهای وحدت مسلمانان و حرکت جمعی آنان در مسیر واحد می‌داند و می‌گوید: «اندک مطالعه در وضع عمل حج، به ما می‌فهماند که منظور شارع مقدس اسلام از تشریح حج این بوده است که مسلمانان به یکدیگر نزدیک تر شوند و وسیله‌ای به وجود آید که مسلمانان اقطار عالم، خواه و ناخواه، یکدیگر را در یک نقطه ملاقات کنند و پیوندشان محکم تر گردد».

● تنفر اسلام از تفرقه

از جمله دلایلی که گواه بر زشت بودن تفرقه می باشد، این است که پیامبر خدا از ترس اینکه مبدا اختلاف در قرائت منجر به تفرقه و اختلاف مسلمانان شود، آنها را در هنگام روی دادن اختلاف، از قرائت قرآن منع می نمود.

مسلم و بخاری از جنید بن عبدالله و او هم از پیامبر روایت کرده اند: «قرآن بخوانید تا آنجا که دلهایتان را به هم ربط می دهد و هرگاه به اختلاف افتادید، در همان جا توقف نمایید». یعنی از آنجا پراکنده و از قرائت منصرف شوید، تا این اختلاف منجر به شر و فتنه نشود. به رغم اینکه فضل و برکت قرائت قرآن برای همگی معلوم بوده و برای قاری قرآن در ازای یک حرف ده حسنه وجود دارد، در صورت منجر شدن آن به اختلاف و تفرقه پیامبر آن را منع کرده است؛ دیگر فرق ندارد که این اختلاف، اختلاف در قرائت و یا کیفیت ادای آن باشد، به هر صورت به قاریان امر شده است که هنگام اختلاف توقف نمایند و از هم دور شوند و هرکسی بر قرائت خود ادامه دهد. بین عمر و هشام اختلافی بر سر قرائت قرآن روی داد، پیامبر خدا در جواب آنها فرمودند: «قرائت هر دوی شما صحیح است؛ اگر سبب اختلاف، فهم معانی باشد، در این مورد هم معنای صحیح فوق یعنی آن را بخوانید و ملتزم به اتحاد و عدم تفرقه در مدلولات و معانی آن باشید و هرگاه به اختلاف افتادید یا مسئله ای رخ داد که مقتضی مجادله و منازعه باشد و باعث تفرقه گردد، آن را ترک کنید و دنبال محکماتی بروید که باعث الفت و پیوند قلوب می شوند و از تشابهاتی که باعث تفرقه در میان شما می شود، پرهیز کنید» (عبدالباقی، ۱۴۰۷ق، ح ۱۷۰۶). یعنی هرگاه کسانی را دیدید که در پی آیات متشابه هستند، از آنها پرهیز نمایید. این احادیث همان طور که ابن حجر می گوید: «مسلمانان را بر جماعت و الفت تشویق و از تفرقه و اختلاف برحذر می دارند و از مجادله و ستیزه نهی کرده اند» (همان، ح ۱۷۰۵).

● اعتصام به حبل الله

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران، ۱۰۳)؛ «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آن گاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دلهایتان

الفت انداخت و در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید، و بر لب پرتگاهی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد. این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند، شاید هدایت شوید».

قرآن به مسئله اعتصام به حبل الله به عنوان عامل وحدت و بازدارنده از تفرقه اشاره می کند؛ زیرا تفرقه چیزی جز فروپاشی جامعه و اتحاد انسانی به همراه ندارد. جامعه ای که بر محور هدف واحد و روش واحد برای دستیابی به هدف خاص شکل می گیرد، با تداوم اتحاد و جلوگیری از تفرقه به آن معنا و مفهوم واقعی می بخشد.

در این آیات به خوبی وضعیت جامعه عرب جاهلی پیش از نزول قرآن و ایجاد جامعه مدنی بر اسلام پرداخته و گزارش شده است؛ قبایل عرب دچار جنگ و تشتت اجتماعی بوده اند و هیچ وحدت رویه و هدفی در میان نبوده است تا آنها را در محور واحدی مجتمع کند و موجب اتحاد و یگانگی افراد انسانی شود. از آنجا که جامعه بدون وحدت در شیوه، رویه و نیز هدف، تحقق نمی یابد، می توان ادعا کرد که جامعه جاهلی اصولاً جامعه به مفهوم واقعی کلمه و اصطلاح جامعه شناختی نبوده است، بلکه گروه ها و یا افراد انسانی بودند که هر از گاهی به هدفی کوچک و اضطراری گرد می آمدند و پس از دستیابی به هدف از هم می پاشیدند. از این رو فاقد عناصر اصلی جامعه که دوام در هدف واحد و مشترکات دیگر فکری فرهنگی می باشد، بوده است. قرآن با اشاره به این وضعیت، آنان را امی می شمارد که به معنای مردمانی فاقد فرهنگ و قوانین مکتوب و نوشته شده است. آنان مردمانی بودند که در شرایط خاص بر پاره ای از سنتهای نانوشته عمل می کردند و هرگاه منافع شخصی و یا گروهی اقتضا می کرد، آن را زیر پا می گذاشتند یا تغییر می دادند؛ چنان که در مسئله انساء و نسی حج عمل کرده و آن را به شکلی درآوردند که زمان درست حج از دستشان بیرون رفت. قرآن با گزارش این رفتار امیهای مکه و مدینه نشان می دهد که آنان به درستی فاقد هرگونه جامعه به مفهوم واقعی بودند. مسئله فقدان فرهنگ مکتوب و معتمد و مستند و نیز قوانین نوشته شده موجب می شود که با کوچک ترین بهانه ای به سوی شمشیر و جنگ روی آورند و به کشتار یکدیگر بپردازند. جنگهای صدساله ایشان تنها به خاطر یک شتر، معروف و مشهور است. اگر آنان جامعه ای قانونمند و قانون مدار بودند، هرگز

با کوچک ترین مسئله ای که به داوری بر پایه قوانین مکتوب و نوشته شده حل و فصل می شد، به کشتار هم خون و نژاد و برادران خونی خود نمی پرداختند.

این شبهه جزیره فاقد مدنیت و تمدن و قانون و کتاب و داوری و سنت نوشته شده، با آموزه های وحیانی و تلاش شبانه روزی پیامبر کم کم شکل جامعه به خود گرفت. البته مکه از ظرفیت تغییر سریع و شتاب آلود برخوردار نبود و تلاشهای پیامبر در این شهر نتیجه مطلوبی نداشت و تنها هسته ای ابتدایی برای ایجاد جامعه و امت فراهم آمد. اما یثرب به جهت تعاملات فکری و فرهنگی با یهودیان اهل کتاب و جامعه و امتی قانونمند از ظرفیت بیشتر و بهتری برخوردار بود. هر چند که آنجا هم تحت تأثیر فرهنگ نامکتوب و قوانین نانوشته، از تشتت و افتراق رنج می برد، ولی با تلاشهای برخی از روشنفکران و روشنگران جامعه یثرب حتی مقدماتی جهت ایجاد پادشاهی در آن فراهم آمده بود و دو قبیله اوس و خزرج در توافق ابتدایی و تفاهم نامه هایی که نگاشته بودند، به این مطلب تحت تأثیر فرهنگ یهودی دست یافته بودند که امارتی را پدید آورند.

در این شرایط پیامبر(ص) به یثرب وارد شد و تلاش خویش را دو چندان کرد تا جامعه و امتی را شکل دهد و پدید آورد که نخستین بازتاب آن تغییر نام یثرب به مدینه النبی بود. مدینه بیانگر تمدن و قانون مداری و حکومت و سیاست اجتماعی بر پایه قوانین مکتوب و امارات خاص است. می توان ادعا کرد که چیزی همانند دولت شهرهای یونانی مورد نظر بوده است. در اینجا است که نقش قانون و مدنیت در اندیشه پیامبر و امت همراه، به خوبی خود را نشان می دهد. امت می کوشد تا نشان دهد که هدف اصلی از دین، ایجاد جامعه برتر و نمونه است که به نام مدینه النبی نام گذاری می شد. از این رو است که مدعی شده ایم هدف از آموزه های وحیانی و تلاش پیامبر، نخست ساخت جامعه آباد در دنیا و ایجاد بستر و زمینه های رشد و بالندگی جمعی بشر بوده است.

دغدغه تغییر نام به خوبی این مسئله را نشان می دهد که هدف، همواره جامعه سازی بوده است. جامعه پیامبر، جامعه ای است که در آن قوانین و فرهنگ مکتوب حرف اول را می زند و حتی خود پیامبر در صورت تخطی از قوانین نوشته شده، باز خواست می شود. چنان که قرآن بارها بر این نکته تأکید می ورزد که اگر پیامبر برخلاف قوانین نوشته شده وحیانی عمل

کند، مؤاخذه می شود. این مؤاخذه و بازخواست در همه حوزه های فردی و جمعی، به معنای مسئولیت پذیری همه افراد اجتماع است. پیامبر به پیروی از آموزه های وحیانی می فرماید: «همه افراد و آحاد اجتماع مدنی و قانونی، رهبر و پیشوای جامعه و یکدیگر هستند و همه برای انجام دادن و یا انجام ندادن کارهای محول شده بازخواست می شوند». این سخن پیامبر (ص) برگرفته از ولایت مؤمنان نسبت به یکدیگر است؛ به این معنا که همه افراد امت نسبت به دیگری ولایت دارند و می توانند در مسائل دینی و اجتماعی و سیاسی، بر پایه آموزه های دستوری قرآن، دیگری را بازخواست و از عملکرد وی سؤال نمایند.

نظارت همگانی، که به شکل امر به معروف و نهی از منکر، قانونمند و ضابطه مند شده است، بیانگر رویه و شکل اجرایی آن است؛ که البته اجرای آن اشکال و روشهای مختلفی دارد که این مقاله جای بیان آن نیست.

به هر حال وضعیت جامعه جاهلی، چنان که قرآن گزارش می کند، بسیار آشفته بود و به هیچ وجه علایم و نشانه های جامعه به معنای واقعی در آن نمودار نبود. اما خداوند با روش و آموزه های شناختی و دستوری و یاری پیامبر (ص) به عنوان اسوه و الگو، جامعه ای را در مدینه پی نهاد که شاهد و نمونه ای کوچک برای ساخت جوامع بزرگ تر و حتی جهانی است. در این آیه خطاب نخست به مؤمنان است؛ یعنی کسانی که به شناخت درست دست یافته اند و بر پایه باورهای خویش عمل می کنند. اکنون این خطر وجود دارد که جامعه دوباره دچار تشتت و تفرقه شود و برخی آن را به سوی جامعه ای مشتت و پراکنده بکشانند.

بنابراین قرآن با یادآوری وضعیت پیشین جامعه به امت مسلمان هشدارباش داده و از خطری که آنان را تهدید می کند، دورباش می دهد و به آنان می فهماند که اگر به عوامل و علت اصلی وحدت جامعه و توفیقات آن توجه نشود، ممکن است جامعه دوباره با بحران مواجه شود.

● آثار تمسک به حبل الله

قرآن نتایج و آثار تمسک به حبل الهی را در همین آیات تحلیل و تبیین می کند که از مهم ترین آثار آن می توان به وحدت جامعه و دوری از تشتت اشاره کرد؛ زیرا حبل الهی چیزی است که برادری ایمانی را تقویت می کند و مردم را به نعمت اخوان و برادر بودن می رساند. نتیجه برادری ایمانی چیزی جز عزت و رهایی از ذلت عمومی و اجتماعی جامعه اسلامی

نسبت به جوامع دیگر نخواهد بود؛ زیرا کسانی که از نعمت برادری برخوردار می شوند، در کنار یکدیگر و برای یکدیگر و در راستای هدف مشترک و وحدت رویه و روش واحد حرکت می کنند و از هر گونه پراکنندگی در هدف و روش دوری می ورزند. این گونه است که در دل دشمنان خویش ابهت می اندازند و دشمنان، ایشان را بزرگ و قوی می یابند و نه تنها از جنگ و خونریزی که برخاسته از تفرقه و تشتت در هدف و رویه است، رهایی می یابند، بلکه دشمنان نیز فکر حمله و جنگ و تجاوز را از خود دور می سازند.

● مفهوم حبل الله و مصادیق آن

چنان که بیان شد، قرآن به مسئله حبل الله به عنوان عامل اصلی وحدت جامعه اسلامی و ایمانی اشاره کرده است. سخن این است که حبل الله چیست و مصادیق آن کدامند؟

در تفاسیر و روایات تفسیری، مصادیق چندی برای حبل الله بیان کرده اند که با توجه به تأکید قرآن و خداوند بر آن، می توان گفت که همه آنها می توانند مصادیق حبل الله باشند؛ زیرا بدون وجود هریک از آنها نمی توان سخنی از وحدت و وحدت رویه گفت. از مهم ترین مصادیقی که بیان شده، قرآن است که خود به عنوان کتاب قانون مطرح است. چنان که گفته شد، جامعه بدون قانون مکتوب نمی تواند به وحدت و رویه دست یابد و به زودی دچار فروپاشی و تشتت می گردد.

خلاصه آنکه جامعه اسلامی برای بازگشت به عزت و کرامت نخست خویش و دستیابی به جامعه برتر می بایست با توجه به کتاب و سنت در محور توحید قرار گیرد و از وحدت بهره مند شده، از تفرقه رهایی یابد.

● وحدت در سایه دین الهی

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (شوری، ۱۳)؛ «از (احکام) دین آنچه را که به نوح سفارش کرد، برای شما (نیز) مقرر داشت و آنچه به سوی تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش نمودیم آن بود که دین را به پا دارید و در آن دچار تفرقه نشوید. آنچه مردم را بدان دعوت

می کنی، بر مشرکان سنگین است. خداوند هر که را بخواهد به سوی خویش بر می گزیند و هر که را به درگاه او رو آورد، به سوی خویش هدایت می کند.

از نظر قرآن، انسانها از یک نر و ماده آفریده شده اند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳). و مردمان، امتی واحد و یگانه بوده اند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره، ۲۱۳)، و تمایز رنگ و زبان آنان نه مایه امتیاز و نه نشانه برتری است، بلکه نشانه های قدرت الهی است: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ إِذَا حَمَلْنَ بِحِمْلِكُمْ وَلِكُنَّ أَصْوَافَ الْمَخْتَلِفِ قَلِيلًا مِمَّا تَدْعُونَ بِهِنَّ وَأَكْثَرُهُنَّ فَاسِقَاتٌ لَعَالِيَنَ إِنَّهُنَّ يُكْفَرْنَ» (روم، ۲۲)، و چندگونگی قبیله ای طایفه ای، راهی برای شناسایی بهتر و هماهنگی و هم گرایی است و هر ملتی به جهات چندی پدیدار می گردد، چنان که امتها و شرایع نیز به جهات شرایط زمانی و روحیات و مقتضیات روحی و روانی انسان پدید آمده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمَنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (مائده، ۴۸). بنابراین نمی توان به این مسائل به عنوان مسائل محوری نگریست بلکه اموری عرضی هستند که با شرایط خاص و مقتضیات خاصی پدیدار می گردند.

قرآن می کوشد تا همه انسانها را در نهایت در یک جامعه جهانی واحد گرد آورد و جهانی شدن به عنوان یک فرایند طبیعی و جهانی سازی به عنوان یک برنامه پروژه اسلامی مورد تأکید و تأیید قرآن و اسلام است. اسلام و قرآن از مردمان می خواهد که در نهایت با حفظ اصولی اختلافات ملی و حتی شریعتی خود، در یک اجتماع کلان و واحد انسانی جهانی گرد هم آیند و به اصول و ارزشهای مشترک توجه کنند. از این رو آنها را به کلمه یگانگی می خواند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران، ۶۴). این بدان معناست

که انسانها می توانند و باید برای اصول مشترک و اهداف مشترک خود باهم منسجم گردند. این انسجام هرچند از بعد نظری فراهم است و همه در پی توحید و آسایش و آرامش هستند، ولی در مقام عمل عملیاتی نشده است و انسجام خارجی نیافته و آثار آن ظاهر نشده است. قرآن در کنار برنامه های تشریحی، پیروان شرایع مختلف را بر گرد آمدن حول نقاط مشترک با یکدیگر فرا می خواند و بدین ترتیب بنیاد جامعه جهانی آرام و امن همراه با احترام متقابل به فرهنگها و ملیتها را پی می ریزد و خود را کتاب مصدق می نامد: «وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ» (بقره، ۴۱)، پاک شمردن طعام اهل کتاب: «الْيَوْمَ أَحَلُّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَطَعَامُ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ حَلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (مائده، ۵) و مجاز شمردن معامله و داد و ستد با ایشان: «لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُواكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُواكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه، ۸)، نهی از مجادله و درگیریهای کلامی و یا حرام دانستن اهانت به مقدسات و فرهنگهای ایشان: «وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْنَا وَاللَّهُنَّ وَاللَّهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (عنکبوت، ۴۶)، گامهای اساسی اسلام و قرآن برای ایجاد جامعه جهانی انسانی است.

در فرهنگ اسلامی و در نگاه قرآنی، فقدان انسجام اسلامی، فاجعه آفرین است. قرآن تفرقه و اختلاف را در ردیف عذابهای آسمانی عنوان کرده، می فرماید: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُدِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (انعام، ۶۵)؛ «بگو خداوند قادر است که از بالا یا زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد، یا به صورت دسته های پراکنده شما را باهم بیامیزد و طعم جنگ (و اختلاف) را به هریک از شما به وسیله دیگری بپچشاند».

قرآن به تفرقه افکنان هشدار داده است و آنها را جدا از اسلام و دشمن مسلمانان معرفی کرده و با قاطعیت می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام، ۱۵۹)؛ «همانا کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند به

گروه‌های گوناگون تقسیم شدند، تو هیچ‌گونه رابطه‌ای با آنها نداری، سرو کار آنها تنها با خداست».

● محوریت پیامبر اکرم(ص)

مسئله دیگری که بنای وحدت بر آن استوار است، نبوت پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌باشد که خداوند ایشان را «رحمة للعالمین»، پرچم دار صلح و دوستی برای مسلمانان و مردمان جهان معرفی کرده است؛ چنان که حضرتش ۲۳ سال برای برادری و برابری و مبارزه با تبعیض نژادی و استعمار تلاش نمود و بحق، مصداق بارز آیه: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَيَّ الْحَقُّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي» (یونس، ۳۵)؛ «آیا آنکه خلق را به راه حق رهبری می‌کند، سزاوارتر به پیروی است یا آنکه نمی‌کند»، می‌باشد. پیامبر در اوایل بعثت خود، نامه‌های متعددی برای زمامداران بزرگ آن عصر فرستاد و در آنها به بیان وجه مشترک مسلمانان با مردم آن کشورها پرداخت و پس از دوستی و وحدت، به مسئله حقانیت اسلام اشاره کرد. ایشان همچنین در میان مسلمانان عقد اخوت و الفت بست و رنگ اختلاف و نزاع را از چهره جامعه زدود.

قرآن می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» (نجم، ۳)؛ «پیامبر هر سخنی می‌گوید وحی الهی است» و بنابراین هنگامی که رسول خدا را اطاعت می‌کنید، در واقع خدا را اطاعت نموده‌اید: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا» (نساء، ۸۰)، یا در فرازی دیگر، پیروی از رسول در کنار پیروی از حق تعالی قرار گرفته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» (نساء، ۵۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا و از رسول اطاعت کنید». اگر این راهکار محقق می‌شد، امروزه به معنای واقعی کلمه شاهد امت واحد اسلامی بودیم و اختلاف در اصول و مبانی با توجه به دعوت قرآن کریم به اطاعت بی‌چون و چرا از رسول خدا، بی‌معنا می‌نمود.

پیامبر(ص) در عصر خویش جامعه‌ای فراگیر از نژادها و ملیتهای گوناگون با شرایط مادی و شخصیتی متفاوت تشکیل داد و انسجامی را به وجود آورد که بر امپراطوریهای زمان خویش غلبه کرد. شاید نخستین باری که مسلمانان با اصطلاح «امه واحده» آشنا شدند، هنگام تنظیم منشور مدینه بود. قرآن نیز در این باره می‌فرماید:

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء، ۹۲)؛ «این (پیامبران بزرگ و پیروانشان)

همه امت واحدی بودند (پیرو یک هدف) و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید»، «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون، ۵۲)؛ «و این امت شما امت واحدی است؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس از مخالفت من پرهیزید».

«امه» در لغت به معنای طاعت، عالم، قوم، جامعه، طریق و ... آمده است. علامه طباطبایی این کلمه را در موارد متعدد، جمعیتی می داند که دارای قصد واحد هستند و آن مطلوب واحد سبب وحدت آنان شده است.

امت واحد در قرآن به امت کافر «وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُقُوطًا مِنْ فَضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ» (زخرف، ۳۳)، امت واحد بین کفر و ایمان و امت واحد مؤمن اطلاق شده است. امت واحد بین کفر و ایمان، امتی است که افراد آن نه در پی انکار خداوند عالم هستند و نه در صدد اثبات خالق هستی؛ بلکه فارغ از بحث و مناظره درباره خداوند و قیامت، تنها به معشیت دنیوی خویش مشغول هستند. علامه طباطبایی آیه ۲۱۳ سوره بقره را چنین معنا می کند: امت واحد مؤمن نیز امتی است که آنان را به توحید، اعتقاد به قیامت و باور به رسالت همه انبیا، به یک امت تبدیل کرده است و این امت پیامبر اسلام (ص) است که افزون بر اعتقاد به نبوت همه انبیای پیشین، به رسالت ختمی مرتبت نیز باور دارند.

این امت واحدی است که علاوه بر آیات قرآن کریم، پیامبر و اصحاب نیز به حفظ آن پرهیز از اختلاف و تفرقه نسبت به آن سفارش کرده اند و فرموده اند کاری نکنید که این یگانگی دچار خلل شد.

از آنجا که همه مؤمنان را یک امت و در یک جهت و با یک هدف خواسته که در آن پرستش خدایی یگانه است، باید مسلمانان آگاه، به اهمیت این شعار قرآنی «امت واحد» پی ببرند و عظمت آن را درک کنند و تفرقه ها را از میان بردارند و نابود سازند. آنان باید بدانند هرگونه حرکتی که به دوگانگی و تفرقه مسلمانان بینجامد، خواسته دشمنان و برخلاف دعوت قرآن است.

در این دعوت، وحدت به مذهب خاصی محدود نشده و معیار امت واحد، اعتقاد به وحدانیت الهی است. از سوی دیگر، وحدت امت در ردیف توحید قرار گرفته و پرستش خدا متوقف بر این یگانگی شده است. وحدت، موعظه و یک پیشنهاد نیست؛ بلکه وظیفه است؛ یعنی همان گونه

که مسلمانان موظف هستند براساس توحید، خدا را عبادت کنند، وظیفه دارند در تحصیل وحدت نیز بکوشند. وحدت براساس این آیه، حقیقت واحدی است که مسلمانان به هر نسبت که توان بیشتری از نظر علم، سیاست و اقتصاد دارند، در جهت انجام آن، وظیفه بیشتری دارند.

چگونگی تحقق این باور که همه مسلمانان امتی یگانه اند، با راهکارهایی که از سوی پیشوایان دین به ما رسیده، مطرح شده است و سیره عملی آنان نیز الگویی کافی برای مسلمانان تمام اعصار پس از حیات آنان است. پیامبر اسلام(ص) با عقد اخوت که نوعی قرارداد میان افراد جامعه می باشد، آنان را ملزم به رعایت رابطه برادری کرد. ایشان در منشور مدینه فرمودند: «البتة مؤمنان در بین خود بدهکار و عائله مندی را نمی یابند، مگر اینکه براساس معروف، وی را در پرداخت بدهی و رهایی از گرفتاری یاری رسانند ... و همه مؤمنان باتقوا علیه کسی که به حقوق آنان تجاوز کرده یا ظلم و گناه بزرگی را برضد آنان تدارک دیده یا میان مؤمنان فساد ایجاد کرده است، یکی و متحد هستند و همه دستهای آنها علیه اوست؛ اگرچه فرزند یکی از آنها باشد. و هرگز نباید مؤمنی، مؤمن دیگری را به خاطر کافری بکشد و هرگز کافری را علیه مؤمنی یاری ندهد ... و اینکه مؤمنان، برخی ولی برخی دگر هستند، نه سایر مردم ...».

فرازهای آخر درست همان رنج و بلایی است که امت مسلمانان به آن گرفتار آمده اند و برخی سران کشورهای اسلامی از روی طمع و یا ترس، ولایت غیرمسلمانان و سلطه جویان جهان را می پذیرند و در حمایت از کفار، راه را برای کشتن مؤمنان فراهم می نمایند؛ حال آنکه اگر امروزه مسلمانان و به ویژه دولتهای حاکم برآنان، به این سنت پیامبر(ص) عمل می کردند، این گونه راه نفوذ و تفرقه و سلطه برای بیگانگان باز نمی شد و کشورهای اسلامی آماج حمله های هوایی و بمبها و سلاحهای مخرب آنان قرار نمی گرفت. امام صادق(ع) برای حفظ امت یگانه اسلامی، راهکارهایی ارائه می دهد: «مسلمان، برادر مسلمان است؛ به او ستم روا نمی دارد و او را و او را نمی گذارد و به او خیانت نمی کند. بر مسلمانان سزاوار است در همبستگی و همیاری، با عطف و مواسات برای نیازمندان تلاش نمایند و در عطف با یکدیگر چنان باشند که خداوند - عزوجل - به شما دستور داد: «با یکدیگر مهر می ورزند». با هم مهربانند و نسبت به امری که به آنهاست و فوت شده، اندوهگین هستند؛ بر همان روشی که گروه انصار در زمان رسول خدا(ص) بودند» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۵۳).

نتیجه

قرآن مجید یکی از مهم ترین ویژگیهای جامعه، مؤمنان را در کنار ایمان به خدا و اطاعت از او و رسولش و امر به معروف و نهی از منکر می داند. خداوند این دو مهم را در کنار ایمان آورده است و میزان توجه به آنها را معیار برتری امت اسلامی می داند. تلاش خستگی ناپذیر اصحاب و ائمه در ترویج احیا و عمل به این دو عنصر اصیل اسلامی و تبیین حدود قلمرو و موارد، این دو مهم در راستای اهداف وحدت طلبانه آنها بوده است. همچنین دستور شریعت به اقامه نماز یکی از مهم ترین و زیباترین و وحدت بخش ترین جلوه های حضور یکپارچه مسلمانان است. در این حرکت عبادی سیاسی است، که طبقات مختلف از هر گروه و مذهب گرد هم می آیند و رو به سوی معبود می نشینند و ضمن آشنایی با وظایف دینی و اخلاقی از مشکلات جامعه و مسلمانان آگاه می شوند، بنابراین به خاطر اهمیت این اجتماع خداوند در قرآن سوره ای به نام جمعه اختصاص داده است. همچنین کنگره عظیم حج از جمله برنامه ها و شعائر دینی است و زمینه پیوندهای عاطفی اجتماعی و مذهبی مسلمانان را فراهم ساخته است و همسانی و همانندی نیت، آداب، مناسک، رنگ لباس حاجیان و حضور هماهنگ آنان از هر ملیت و زبان و مذهبی است. و دلایل مهمی گواه بر زشت بودن تفرقه می باشد. نهایتاً نتیجه برادری ایمانی چیزی جز عزت و رهایی از ذلت عمومی و اجتماعی جامعه اسلامی نسبت به جوامع دیگر نخواهد بود؛ زیرا کسانی که از نعمت برادری برخوردار می شوند در کنار یکدیگر و برای یکدیگر و در راستای هدف مشترک و وحدت، رویه و روش واحد حرکت می کنند و از هر گونه پراکندگی در هدف و روش دوری می ورزند و در دل دشمنان ابهت می اندازند و دشمنان اینها را قوی می یابند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آقائوری، علی، امامان شیعه و وحدت اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸ش.
۳. ابن ماجه، محمد بن یزید، السنن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
۴. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح المختصر، یمامه، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
۶. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۷. دکمچیان، هرایر، جنبشهای اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۲ش.
۸. سبحانی، جعفر، ایمان و آثار سازنده آن، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۸۴ش.

۹. سیدحسینی، سیدصادق، مدارای بین مذاهب، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش.
۱۰. سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر.
۱۱. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۲. عبدالباقی، محمد فؤاد، اللؤلؤ و المرجان فیما اتفق علیه الشیخان، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۶م.
۱۳. فرزندی، عباسعلی، هم گرای جهان اسلام، تهران، شورای برنامه ریزی مدارس دینی اهل سنت، ۱۳۹۰ش.
۱۴. قرضاوی، یوسف، بیداری اسلامی و فرهنگ اختلاف، ترجمه عمر قادری سنندج.
۱۵. همو، دورنمای جامعه اسلامی، ترجمه عبدالعزیز، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۸ش.
۱۶. قطب، سید، ویژگیهای ایدئولوژی اسلامی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۹ش.
۱۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارصعب؛ دارالتعارف، ۱۴۱۳ق.
۱۸. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۷۲م.

